سلسله درس های اخلاقی
برای کودکان و نوجوانان از

سفارشات رسول اکرم

از نگاه اهل سنت

جلد اول



نویسنده: دکتر حامد احمد طاهر
مترجم: رسول تیموری (مشهور به عبدالله)

سلسله درس‌های اخلاقی برای کودکان و نوجوانان از

سفارشات رسول اکرم (ص)

جلد اول

نوشته: دکتر حامد احمد الطاهر

ترجمه: رسول تیموری (مشهور به عبدالله)

مطالب این کتاب با استناد به منابع و ماخذ اهل تسنن تهیه شده است.

انتشارات واسع ـ دامینه

۱۳۸۵

Tahir, Hamid Ahmad
طاهر، حامد احمد
سلسله درس‌های اخلاقی برای کودکان و نوجوانان از سفارشات رسول اکرم(ص) / نوشته حامد احمد الطاهر؛ ترجمه رسول تیموری (مشهور به عبدالله). -- مشهد: دامینه، ۱۳۸۵.
۲ ج.
(ج. ۱) : ISBN 964-5805-36-8
(ج. ۲) : ISBN 964-5805-37-6
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان به عربی: من وصایا الرسول للاطفال.
۱. محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- کلمات قصار. ۲. احادیث اخلاقی. الف. تیموری، عبدالله، ۱۳۴۴ - ، مترجم. ب. عنوان.
۸ س ۲ ط / ۵ / ۱۴۲ BP
۲۹۷/۲۱۸
کتابخانه ملی ایران
۱۷۳۸۴-۸۵ م

انتشارات دامینه

انتشارات واسع

همراه: ۰۹۱۵۱۱۰۱۹۶۲

مشهد مقدس - بلوار وکیل‌آباد ۸ - ارشاد ۱ - پلاک ۲۵

سلسله درس‌های اخلاقی برای کودکان و نوجوانان از سفارشات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (جلد ۱)

اثر: دکتر حامد احمد الطاهر

ترجمه: رسول تیموری (مشهور به عبدالله)

ناشر: دامینه

نوبت چاپ: سوم ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: آفاق شرق

چاپ و صحافی: چاپ سعید

قیمت: ۱۲۵۰ تومان

تعداد صفحه: ۸۰ رقعی

دوره شابک ۹۶۴-۵۸۰۵-۳۵-x
شابک ۹۶۴-۵۸۰۵-۳۶-۸
ISBN 964-5805-36-8

مرکز پخش: تایباد خیابان شهید رجائی - کتابفروشی سنّت
تلفن ۴۲۲۱۷۶۱ - ۴۲۲۲۱۳۴ - ۰۵۲۹

فهرست مطالب

تقدیم:

به روح مربی بشریت رسول اکرم (ص) که امتی نمونه و الگو را تربیت نمودند

به همهٔ کسانی که از صدر اسلام تا کنون انسانهایی پاک و فرزانه را تربیت کردند

به مربیان بیداری اسلامی که دغدغه شان تربیت نسل نو براساس باورهای اسلامی است

به پدر و مادر بزرگوارم که مرا تحویل مربی دینی دادند

به استادم مرحوم مولانا سید احمد سید الحسینی (ره) که همه وقتش را صرف تربیت و اصلاح جامعه نموده بود

به همسر وفا دارم که برای تربیت فرزندانمان شب و روز تلاش می‌کند

به فرزندانم که دوست دارند با آموزه‌های دینی تربیت شوند.

اخلاق نیکو

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:

«ما مِنْ شَیءٍ اَثْقَلَ فی المِیزَانِ مِن خُلُقٍ حَسَنٍ» «متفق علیه»

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: هیچ چیزی در میزان سنجش اعمال سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست. (بخاری و مسلم)

قبل از اسلام مردم دین خدا را به فراموشی سپرده بودند و عبادت او را ترک کرده بودند نه دینی بود و نه خدایی که مردم او را بپرستند و فقط مجموعه‌ای از مجسمه‌های ساخته شده از سنگ و چوب را عبادت می‌کردند بلی برای این مجسمه‌ها که هیچ فایده و ضرری به آنها نمی‌رساند سجده می‌کردند و آنها را عبادت می‌نمودند.

در آن هنگام و در آنجا قدرتمند حق ضعیف را می‌خورد و ثروتمندان به فقیران ظلم می‌کردند، همسایه به همسایه بدی می‌نمود. دست‌ها برای دزدی به سوی مال دیگران دراز می‌شد. مشروبات الکلی آشکارا مصرف می‌گشت. زبان به دروغ عادت کرده بود و گواهی دروغ می‌داد.

اموال یتیم‌های بی سرپرست توسط خویشاوندان به سرقت می‌رفت

و خود یتیمان نیز مورد تحقیر واقع می‌شدند.
فریاد دختران کوچک که می‌خواستند کسی پیدا شود که آنها را از دست پدران ستمگرشان که آنان را زنده به گور می‌کردند نجات دهد، به آسمان بلند می‌شد. دل‌ها مشتاق و علاقه‌مند به کسی بود که آنها را از این وضعیت دردناک نجات دهد و ظلم و ستمی را که بر آنها می‌رفت از سرشان کوتاه کند.
و زمانی که در سرزمین جزیرة العرب قلب مهربانی وجود نداشت شلاق قدرت مندان بر پشت ضعیفان فرود می‌آمد. انسانهای آزاده به بردگی کشیده می‌شدند و مال یتیمان به ناحق خورده می‌شد.
در این هنگام محمد امین (ص) دور از ظلمی که نظاره‌گر آن بود در غار حراء عزلت و گوشه نشینی را اختیار نموده بود.
در اینجا بود که نور هدایت درخشیدن گرفت وقتی که جبرئیل امین آیات اول سوره «اقرأ» را از طرف خداوند بر پیامبر نازل کرد پس محمد امین آیات خداوند را خواند و نور ایمان و معرفت در قلب پاک پیامبر که حتی یک اشتباهی از آن سر نزده بود افزایش یافت.
پروردگارش وی را اینگونه ستایش نمود: «وَ انما بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَکارِمَ الأَخْلاٰقِ»
من آمده‌ام تا ارزش‌های اخلاقی را تکمیل کنم.

در حقیقت اسلام از آغاز کارش انسانها را به ارزش‌های اخـلاقی دعوت می‌کرد تا جائی که خداوند نماز، زکات، حج و روزه را برای تربیت انسانها و سعادت زندگی بشر فرض نمود.

بنابراین انسان بد اخلاق نافرمان خدا محسوب می‌گردد و مناسب است توبه کند و اخلاقش را نیکو نماید و گرنه به خشم و عـذاب الهی گرفتار می‌شود.

دین اسلام با دستورات اخلاقی پاکش و رسول خدا (ص) با اخلاق و رفتار مناسبش توانست اعراب نادان راکه مرتکب هر نوع خیانت، جنایت، ظلم، دروغ و خونریزی می‌شد بـا نـور ایـمان بـه مـلتی محبوب، دوست داشتنی، همدرد، فداکار و خیرخواه تبدیل نماید تا اینکه آنان اهل اخلاق و ارزشهای عالی گشتند.

تا آنکه دشمنان در این مورد گفتند: «حتی اگر دین محمد را به عنوان آئینی آسمانی ندانیم باید اعتراف کنیم که در اخلاق و جوانمردی سرآمد همگان بودند.» چه زیباست آموزش‌های خدا و رسولش که ما را به اخلاق نیکو دستور می‌دهند. پس هنگامی کـه خـود را بـه اخلاق نیکو آراسته نمودیم در شمار دوستان خدا قرار می‌گیریم و آرزوهای ما تحقق پیدا می‌کند و جامعه ما بهترین جامعه روی زمین می‌شود و حقوق هیچ کس در آن ضایع نمی‌گردد.

پیامبر الگو

وقتی از سیده عایشه (رض) در مورد اخلاق رسول اکرم (ص) سوال می‌شود در جواب می‌فرمایند: «كَانَ خُلُقُه القُرآنُ» اخلاقشان قرآن بود. یعنی هر آنچه از اخلاق پاک عالی در قرآن یاد شده آنرا اجراء می‌نمود. همیشه راستگو بود و هرگز دروغی از ایشان شنیده نمی‌شد.

امانت دار بود و به آن خیانت نمی‌کرد به پیمان و وعده وفا می‌نمود در هیچ شرایطی پیمان شکنی نکرد.

کسی را که به ایشان ظلم می‌کرد مورد عفو و بخشش قرار می‌داد و اگر کسی ایشان را دشنام می‌داد و یا بد و بیراه می‌گفت گذشت می‌نمود. راز دار بود و آنرا افشاء نمی‌کرد به یتیمان ظلم نمی‌کرد بلکه به آنها توجه می‌نمود و احترام می‌گذاشت.

همسایه‌اش را اذیت نمی‌کرد بلکه حقش را اداء می‌نمود. هیچ گاه سخن زشت و نامناسب از ایشان شنیده نشد بلکه سخنان زیبا، شیرین و لذت بخش شان فضا را معطر می‌ساخت.

هنگامی که مردم ایشان را اذیت می‌کردند صبر می‌نمود همانند درختی که مردم به آن سنگ می‌زنند اما او به ایشان میوه می‌دهد.

انس بن مالک (رض) بچه کوچکی بود و هنوز نه سال بیشتر نداشت. مادرش وی را نزد رسول الله (ص) برد و از پیامبر خواست که او را برای خدمت بپذیرند. انس (رض) تا هنگام حیاءت رسول الله در خدمت ایشان بود.

وقتی انس می‌خواست از اخلاق رسول خدا برایمان بگوید اینچنین می‌گفت: اخلاق رسول خدا (ص) از همه مردم بهتر بود. بیست سال تمام در خدمت پیامبر بودم. هرگز مرا ملامت و سرزنش نکرد و به کاری که انجام داده بودم نگفت چرا این کار را کردی و کاری که انجام نداده بودم نگفت چرا این کار را نکردی. رسول خدا (ص) ما را اینگونه به اخلاق نیکو سفارش می‌کند: «مَا مِنَ شَیءٍ اَثْقَلَ فِی مِیزانِ المُؤمنینَ یَوُمَ القِیامَةِ مِنْ حُسْنِ الخُلْقِ وَ اِنَّ اللّٰهَ یُبْغِضُ الفاحِشَ البَذِی» هیچ چیزی در روز قیامت سنگین‌تر از اخلاق نیکو در میزان مومن وجود ندارد. و خداوند افراد بی حیاء و بد زبان را دوست نمی‌دارد.

پس اخلاق نیکو از همه اعمال در میزان مومن سنگین‌تر است و خداوند آن را دوست می‌دارد و از انسان بد زبان که سخنان زشت و یاوه از زبانش بیرون می‌شود بدش می‌آید.

پیامبر اکرم (ص) به انسانهای خوش اخلاق وعده داده است که

همراه او در بهشت خواهند بود و به آنها مژده محبت خودش را می‌دهد. می‌فرمایند:

«اِنَّ مِنْ أَحَبِّکُمْ اِلَیَّ و أَقْرَبِکُمْ مِنِّی مَجْلِساً یَوَم القِیامَةِ أَحاسِنُکُمْ اَخْلاَقاً» براستی محبوب‌ترین شما در نزد من و نزدیکترین شما به من در روز قیامت خوش اخلاق‌ترین شما است.

عزیزم این جایگاه بزرگی است که رسول خدا تو را دوست بدارد. پس وقتی رسول خدا تو را دوست بدارد خداوند نیز تو را دوست می‌دارد. بنابراین به فکر بدست آوردن و حفظ این جایگاه باش.

ولی باید بدانیم سفارشاتی که پیامبر ما را بدانها توصیه نموده تا میزان اعمال ما در روز قیامت سنگین باشد و جزء محبوب‌ترین مردم نزد ایشان باشیم چیست؟

حیاءِ

اَلْحیاء لاٰ یَاتِی الاّٰ بخیرٍ متفق علیه[1]

رسول خدا می‌فرمایند: حیاء ثمره‌ای جز خوبی ببار نمی‌آورد.

حیاء چیست؟

اولین ویژگی اخلاقی که پیامبر ما را به آن سفارش می‌کند حیاء است. حیاء سرشتی است نیکو در انسان که او را از انجام گناه یا کوتاهی در حق مردم باز می‌دارد و او را وادار می‌سازد تا از گناه و معصیت باز آید.

چرا باید حیاء داشته باشیم.

پیامبر اکرم به خاطر چندین علت ما را به داشتن حیاء سفارش نموده است.

۱- حیاء اخلاق اسلام است هر آئینی اخلاقی دارد و اخلاق اسلام

۱-در ابتدا مربوط به صفحه قبل است مراد از اصطلاح متفق علیه نزد محدثین: حدیثی است که امام بخاری و مسلم هر دو آن را روایت کرده‌اند.

حیاء است.

۲- حیاء از ایمان است و ایمان صاحبش را به بهشت داخل می‌کند. پس حیاء جزئی از ایمان است

۳- وقتی انسان با خصلت حیاء آراسته گردد خداوند عیب‌های او را می‌پوشاند. در حکمت‌های قدیم آمده است: «کسی که لباس حیاء به تن کند مردم عیبش را نمی‌بینند.»

۴- حیاء قلب را زنده می‌کند. انسان با حیاء سپاسگذار نعمت‌های الهی است صابر بر مصیبت‌ها است. در مقابل مردم فروتن و در نمازش خاشع است.

و هنگامی که زن و دختر با حیاء باشد با عفت و پاکدامن به نظر می‌رسد.

۵- حیاء محبت و دوستی را در میان مسلمانان گسترش می‌دهد.

چگونه با حیاء شویم؟

با توجه به موارد زیر می‌توانیم حیاء را یاد بگیریم

۱- بیاد داشته باشیم که خداوند متعال ما را می‌بیند پس مرتکب گناه و معصیت نمی‌شویم حکایت شده است که کودکی پدری دزد داشت که خانه‌های مردم را می‌زد. روزی پدرش به او گفت:

حیاء

اَلْحیاء لاٰ یَاتِی الاّٰ بخیرٍ متفق علیه[1]

رسول خدا می‌فرمایند: حیاء ثمره‌ای جز خوبی ببار نمی‌آورد.

حیاء چیست؟

اولین ویژگی اخلاقی که پیامبر ما را به آن سفارش می‌کند حیاء است. حیاء سرشتی است نیکو در انسان که او را از انجام گناه یا کوتاهی در حق مردم باز می‌دارد و او را وادار می‌سازد تا از گناه و معصیت باز آید.

چرا باید حیاء داشته باشیم.

پیامبر اکرم به خاطر چندین علت ما را به داشتن حیاء سفارش نموده است.

۱- حیاء اخلاق اسلام است هر آئینی اخلاقی دارد و اخلاق اسلام

۱-در ابتدا مربوط به صفحه قبل است مراد از اصطلاح متفق علیه نزد محدثین: حدیثی است که امام بخاری و مسلم هر دو آن را روایت کرده‌اند.

حیاء است.
۲- حیاء از ایمان است و ایمان صاحبش را به بهشت داخل می‌کند. پس حیاء جزئی از ایمان است
۳- وقتی انسان با خصلت حیاء آراسته گردد خداوند عیب‌های او را می‌پوشاند. در حکمت‌های قدیم آمده است: «کسی که لباس حیاء به تن کند مردم عیبش را نمی‌بینند.»
۴- حیاء قلب را زنده می‌کند. انسان با حیاء سپاسگذار نعمت‌های الهی است صابر بر مصیبت‌ها است. در مقابل مردم فروتن و در نمازش خاشع است.
و هنگامی که زن و دختر با حیاء باشد با عفت و پاکدامن به نظر می‌رسد.
۵- حیاء محبت و دوستی را در میان مسلمانان گسترش می‌دهد.

چگونه با حیاء شویم؟

با توجه به موارد زیر می‌توانیم حیاء را یاد بگیریم
۱- بیاد داشته باشیم که خداوند متعال ما را می‌بیند پس مرتکب گناه و معصیت نمی‌شویم حکایت شده است که کودکی پدری دزد داشت که خانه‌های مردم را می‌زد. روزی پدرش به او گفت:

به زودی تو را با خودم برای دزدی از یکی از خانه‌ها می‌برم. جلو دروازه بایست همین که کسی را دیدی مرا صدا کن پیش از اینکه کسی متوجه کارم شود.

پسر بچه همراه پدرش رفت. پدرش وارد خانه شد تا دزدی کند.

پسر کوچک فریاد زد: پدر یکی ما را می‌بینند.

پدر با عجله آمد و گفت: چه کسی ما را می‌بیند.

پسر گفت: پدر خدا ما را می‌بیند.

در اینجا بود که پدر هنگامی که متوجه شد خدا او را می‌بیند توبه نمود و دست از دزدی برداشت.

۲- اینکه نعمت‌های خدا را بیاد داشته باشی و بدانی که نمی‌توانی شکر این نعمتها را بجا آوری. خداوند متعال می‌فرماید:

وَ اِنْ تَعُدُّ و انِعْمَتَ اللَّهِ لاَ تُحْصُوْهَا (ابراهیم ۱۳۴)

و اگر نعمتهای الهی را بشمارید توان احاطه و شمارش آنها را ندارید.

خداوند به تو چشم و گوش داده است. به بهترین صورت تو را آفریده است. تو را هدایت نموده است. به تو روزی داده است از بیماری شفایت بخشیده است تو را در امان داشته است ، پس چگونه او را نافرمانی می‌کنی.

اگر پدرت که هزینه زندگی و خرج تو را تامین می‌کند به تو دستور دهد لازم است دستورش را اجراء کنی. پس وظـیفه ات در بـرابـر خداوند که تو و پدرت را روزی می‌دهد چیست؟

۳- باید بیاد داشته باشی که به زودی خداوند متعال از هر چه انجام داده‌ای از کوچک و بزرگ کم و زیاد از تو سوال می‌کند.

نمونه هایی از حیاءٍ

حضرت ابـوبکر صـدیق (رض) از پـروردگارش حـیاء مـی‌نمود. هنگامی که به دستشوئی می‌رفت سرش را می‌پوشید و می‌گفت: از پروردگارم شرم می‌نمایم.

سیدنا عثمان بن عفان وقتی می‌خواست غسل کند درب خانه‌اش را قفل می‌نمود و لباسهایش را نمی‌کشید تا جائی که رسول خدا (ص) در مورد حیاءی ایشان می‌فرمایند: «اِنَّ الْمَلاٰئِکَةِ لِتَسْتَحِیْ مِنْکَ یٰـا عُثْمٰانْ» براستی ای عثمان فرشتگان هم از تو حیاء می‌کنند.

در حکایات آمده است که زنی مسلمان نقاب به صورت زده بـود فرزندش گم شد به جستجوی فرزندش پرداخت. فـردی فـاسد و نابکار گفت: نقاب به صورت زده و در جستجوی فرزندش می‌باشد. زن در جوابش گفت: ای بی حیاء فرزندم را از دست دهم بهتر است

که شرم و حیاءیم را از دست بدهم.
رسول خدا (ص) از دختران شوهر ندیده هم باحیاءتر بودند. وقتی کاری را مشاهده می‌کردند که مورد تأئید ایشان نبود چهره مبارک سرخ می‌گشت به حدی که یارانشان متوجه می‌شدند.
آری این شخصیت رسول خدا است که شرم و حیاءیشان از دختران نیز بیشتر است و پیامبر بهترین الگو و سرمشق برای ما است.

خطر ترک حیاء

وقتی که مردم شرم و حیاء را کنار بگذارند زندگی دشوار و رنج آور می‌گردد رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «اِذٰا لَمْ تَسْتَحِ فَاصْنَعْ ما شئت» وقتی حیاء نکردی هر چه خواستی بکن.
هنگامی که مردم حیاء را کنار می‌گذارند هر چه بخواهند انجام می‌دهند. دروغ می‌گویند، ظلم می‌کنند، دست به دزدی می‌زنند و هر کار زشتی را مرتکب می‌گردند. در نتیجه خیانت و فحشا در جامعه حاکم می‌شود که خشم الهی را به دنبال خواهد داشت و آن وقت است که مستحق عذاب و آتش جهنم می‌گردند.
سیدنا سلمان فارسی (رض) گفته است: «وقتی خدا خواسته باشد کسی را هلاک کند حیاء را از او می‌گیرد. وقتی حیاء از او برداشته

شود او را جز به حالت زشت و منفور نمی‌بینی، وقتی که منفور بود امانت از او گرفته می‌شود پس در نتیجه خیانت کار می‌گردد وقتی خائن گشت رحم و شفقت از وجودش برداشته می‌شود سپس تند خو و بداخلاق می‌گردد. وقتی این چنین شد شیطان صفت و ملعون می‌گردد.»

فایده‌های حیاء

وقتی مسلمان به خصلت حیاء آراسته باشد از چندین فایده بهره‌مند می‌گردد

۱- خدای متعال او را دوست می‌دارد زیرا از جمله مومنان است و حیاء از ایمان است و خداوند مومنین را دوست می‌دارد.

۲- محبوب مردم می‌گردد، دشمنانش کم می‌شود و دوستانش زیاد می‌گردند.

۳- قلب و روان و بدنش راحت می‌گردد.

۴- کارهای دشوار بر او آسان می‌شود همه او را دوست می‌دارند همانطور که فرشتگان او را دوست می‌دارند.

۵- داخل شدن در بهشت همراه مومنان

سوال ها

۱- وضعیت جهان قبل از بعثت پیامبر را بیان کن؟

۲- اگر با چنین وضعیتی روبروی شوی چه می‌کنی؟

۳- مسئله‌ای را درکلاس درس متوجه نشدی آیا از معلم می‌خواهی که آنرا دو مرتبه بازگو کند یا شرم می‌کنی و از او نمی‌خواهی که مجدداً بیان کند؟

۴- فردی تو را دشنام می‌دهد و به تو ناسزا می‌گوید به او پاسخ می‌دهی یا برایش از خدا آمرزش می‌خواهی؟

۵- اگر یتیمی را بیابی که نه پولی دارد و نه لباسی به تن چه می‌کنی؟

۶- علامت ✓ یا ✗ با بیان علت بگذار:

الف: حیاء از ایمان است و خداوند مومنین را دوست می‌دارد

ب: ما شکر همه نعمت‌های الهی را ادا می‌کنیم

ج: حیاء از خصلت‌های زشتی است که مومن بدان متصف نمی‌گردد.

جاهای خالی را پر کن

اخلاق زیبائی که انسان را از ارتکاب گناه وکوتاهی در حق مردم باز می‌دارد. . . . . نامیده می‌شود.

من کساه الحیاء. . . . . لم یر. . . . . عیبه

کسی که حیاء لباسی به تنش کند مردم عیبش را نمی‌بینند.

اذا لم. . . . . فَاصْنَعْ مٰا. . . . .
وقتی که حیاء نکردی آنچه خواستی انجام بده.
المسلم مثل. . . . . یرمیه الناس. . . . .
فیر میهم بالثمر
مسلمانان مانند درخت میوه دار است که مردم به دو سنگ می‌زنند
و او به ایشان میوه می‌دهد.

پاسخ‌ها

۱- از او می‌خواهم که درس را دو مرتبه تکرار کند زیرا این کار از حیاء نیست و شرم مذموم است
۲- از خدا برایش آمرزش می‌خواهم و همانند درختی می‌باشم که مردم به او سنگ می‌زنند و او به آنان میوه می‌دهد.
۳- از ثروت و لباسهایم به او می‌دهم
الحیاء، - توبه - الناس - تستح - شئت - الشجر - بالحجر

نیکی به پدر و مادر

شخصی نزد رسول خدا آمد و گفت: ای رسول خدا چه کسی از همه سزاوارتر به نیکی من است. پیامبر در جواب فرمودند: مادرت. باز گفت بعد از مادر گفتند: مادرت. باز گفت، سپس چه کسی؟ باز رسول اکرم برای بار سوم گفتند: «مادرت»

باز وی پرسید سپس چه کسی، پیامبر فرمودند: پدرت. (متفق علیه)

و نیز رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: نفرین باد. نفرین باد نفرین باد بر کسی که پدر و مادرش یا یکی از آن دو به پیری برسند و وارد بهشت نگردد. یعنی خدمت پدر و مادر را نکند تا باعث ورود او به بهشت شود زیرا نتیجه‌ی خدمت به پدر و مادر بهشت است

فضیلت پدران و مادران

اگر از هر پدر و مادری در این زندگی دنیا بپرسیم:

که چرا به خاطر فرزندانت خودت را فدا می‌کنی چرا منزلت را ترک می‌نمائی. چرا استراحت و آرامشت را رها می‌کنی. چرا سختی‌ها را در زندگی تحمل می‌نمائی. چرا و چرا... و هزارها چرای دیگر در

همه صورت ها پاسخ یکی است ما بخاطر فرزندانمان خود را خسته می‌کنیم و به مشقت می‌اندازیم تا اینکه آنان در زندگی و درس و کارشان سعادت‌مند و نیکبخت شوند و به موفقیت برسند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَ وَصَّیْنا الاِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حُسْناً» (عنکبوت ۸۰)

و انسان را سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند.

و نیز می‌فرماید: «وَ قَضٰی رَبُّکَ أَلاَّ تَعْبُدو إِلاَّ أَیّاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ اِحْسَاناً»

پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

أِمّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الِکَبَر أَحَدُهُمَا أَوْ کِلاٰهُمٰا فَلاَ تَقُلُّ لَهُمَا أُفٍّ

هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی ایشان نزد تو به پیری برسند اف به آنان مگو

وَ لاَ تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَّهُمَا قَوْلاً کَرِیْمًا (۲۳) وَ اَخْفِضْ لَهُمٰا جَنَاحَ الذُّلِّ

و بر سر ایشان فریاد نزن و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو و بال تواضع و مهربانی را برایش

مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَّبِّ ارْحَمْهُمٰا کَمَا رَبَّیَانْی صَغیْراً (اسراء ۲۳-۲۴)

فرود آور و بگو پروردگارا بدیشان مرحمت فرما همانگونه که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ فرمودند.

در حقیقت خداوند متعال به خوبی می‌داند که پدر و مادر به خاطر فرزندانشان سختی‌ها را تحمل می‌نماید. مادر درد و رنج و سختی‌های دوراه حمل و ولات را تحمل می‌کند.
مشکلات دوران شیردهی را به جان می‌خرد. آنگونه که خداوند متعال می‌فرماید:
حَمَلَتْهُ اُمُّهُ وَهْناً عَلَى وَهْنٍ وَ فِصٰالُهُ فِيْ عَامَيْنِ (لقمان ۱۱۴)
مادرش بدو حامله شده است و هردم به ضعف و سستی تازه‌ای دچار آمده است پایان دوران شیرخوارگی دوسال است.
مادر است که جنین را در شکمش حمل می‌کند و جنین در غذا با او شریک است پس در نتیجه جسم و بدنش ضعیف می‌شود ولی مادر وقتی که احساس می‌کند فرزندش با او تغذیه می‌کند برایش قابل تحمل می‌شود. و اگر فرزند روحش را بگیرد آن را به او اهداء می‌کند.
سپس دو سال کامل او را شیر می‌دهد. زمانی که کودک توان هیچ کاری را ندارد از او به خوبی نگهداری و سرپرستی می‌نماید. کودک می‌گرید و کوچک است. نمی‌تواند راه برود. و نق بزند مادر از او مواظبت می‌کند. شب‌های طولانی و زیادی را که کودک بیمار است و گریه می‌کند بدون استراحت و خواب کنار بستر و گهواره‌اش بیدار

می‌ماند.

وقتی مادر احساس می‌کند که کودش بیمار است اشک‌ها بر گونه هایش سرازیر می‌شود. از هیچ کوششی به خاطر راحتی فرزندش دریغ نمی‌کند.

سپس مرحله نقش پدر فرا می‌رسد که به خاطر فراهم کردن زندگی با عزت برای فرزندان کوچکش از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کند. او بعد از خدای متعال رمز زندگی فرزند است.

اما افسوس هنگامی که فرزندان بزرگ می‌شوند. این همه خوبی و ترحم را فراموش می‌کنند و حتی مال و سرمایه شان را از پدر و مادر دریغ می‌کنند.

نوباوگان را از همین حالا به سوالات ذیل گوشزد می‌کنیم:

چه کسی نه ماه تو را در شکمش حمل نمود؟

چه کسی درد و رنج وضع حمل را تحمل نمود و نزدیک بود به خاطر تو بمیرد؟

چه کسی دو سال کامل تو را با شیرش تغذیه نمود؟

چه کسی شب‌ها را کنار بسترت بیدار ماند تا تو راحت بخوابی؟

چه کسی استراحتش را فدا نمود تا برایت غذا و لباس فراهم نماید؟

چه کسی هنگام بیماری تو را نزد پزشک برد. برایت دارو تهیه نمود

و خنده از لب‌ها و خوشحالی از چهره‌اش جدا شد تا وقتی که خداوند تو را شفا داد؟

در حقیقت ما ارزش پدر و مادر را درک نمی‌کنیم و قدر آنان را نمی‌دانیم مگر زمانی که یکی از این دو میوه کمیاب را از دست بدهیم پس پدر و مادرت را گرامی بدار تا خداوند تو را گرامی بدارد.

«داستانی شگفت‌انگیز»

حکایت شده است که در گذشته مردی همسرش را بر مادرش ترجیح می‌داد. به مادر بی احترامی می‌کرد و به همسرش عشق می‌ورزید. روزی همسرش بیمار شد.

پزشک گفت: همسرت نیاز به قلبی نو دارد. این نامرد سنگدل نزد مادرش رفت مادر را کشت و قلبش را بیرون آورد و آن را در دست گرفته نزد پزشک می‌برد. در راه پایه به سنگی برخورده نزدیک بود به زمین افتد قلب مادرش او را صدا کرد و گفت: مواظب باش فرزندم که نیفتی

واعجبا چه شفقت و محبتی از مادر و چه بیرحمی و سنگدلی از فرزند.

حقوق پدر و مادر

خداوند متعال حقوقی را برای پدر و مادر بر فرزند گذاشته که بعضی از آنها به قرار ذیل است

۱- فرمانبرداری از پدر و مادر در کوچکی و بزرگی

۲- احسان و نیکی به پدر و مادر چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَ بِالْوٰالِدَیْنِ اِحْسَاناً»

۳- گرامی داشتن پدر و مادر، بوسیدن دست آنها، احترام و تعظیم شان

۴- نیازردن آنها با خواسته‌ها و درخواست‌های زیاد

۵- مقدم داشتن پدر و مادر بر همه مردم اگر مسلمانی خواسته باشد هدیه‌ای بدهد اولاً باید به پدر و مادر هدیه بدهد.

۶- برایشان دعای رحمت و طلب آمرزش نمودن و با این دعا برایشان دعا کند:

«وَ قُلْ رَبِّ راحَمْهُمٰا کَمَا رَبَّیٰانِیْ صَغِیراً»

۷- دلتنگ نشدن از آنها گر چه با گفتن یک کلمه در حد «اف» هم باشد.

۸- صدا زدن شان به «پدرم» و «مادرم» و نباید آنها را با نامشان صدا

کنیم زیرا بی احترامی و بی ادبی نسبت به پدر و مادر بحساب می‌آید.

۹- مبالغه در احترامشان. یکی از نیکان با مادرش غذا نمی‌خورد. علت را از وی پرسیدند جواب گفت: بیم آن دارم که غذایی مورد علاقه مادرم باشد و من آن را بخورم و او را از آن محروم نمایم و با این کار بی احترامی به مادر کرده باشم.

۱۰- اشتیاق و علاقه به جلب رضایت آنها و ناراحت نکردنشان

خداوند متعال حضرت یوسف را به خاطر تعظیم و احترام به پدر و مادر ستایش می‌کند:

«وَ رَفَعَ اَبَوَیْهِ عَلَی الْعَرْشِ» پدر و مادرش را بر تخت نشاند.

و همچنین اسماعیل علیه السلام را نیز ستایش می‌کند هنگامی که به پدرش گفت:

یَا اَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤمَرُ سَتَجُدْنِی اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰابِرِینَ (صافات ۱۰۲)

ای پدرم انجام بده آنچه دستور داری ان شاء الله مرا از صابران خواهی یافت.

حضرت عیسی را نیز تمجید می‌کند آنجا که می‌گوید: «وَ بَرًّا

بِوالِدَتِیْ» من ماموروم که به مادرم نیکی کنم

مردی برای جهاد در راه خدا خارج می‌شود و پدر و مادرش را ترک می‌نماید. پدر و مادر شروع به گریه می‌کنند. رسول خدا (ص) به وی می‌گوید: «اِرْجِعْ اِلَیْهِما فَاضْحَکْهُمَا کَمٰا اَبْکَیْتَهُمٰا» نزد شان باز گرد و آنها را خندان نما آنگونه که آن‌ها را گریان نمودی.

وظیفه کسی که پدر و مادرش فوت نموده چیست؟

اگر پدر و مادر یا یکی از آنها فوت نمود بر فرد مسلمان لازم است که امور زیر را انجام دهد.

۱- پیوسته برایشان دعا کند و از خدا آمرزش بخواهد زیرا خداوند متعال بر درجاتشان به سبب کثرت استغفار می‌افزاید.

۲- برایشان بعد از مرگ صدقاتی را که مفیدتر است در نظر بگیرد.

۳- با دوستان پدر و مادر نیکی کند.

۴- با خویشاوندان پدر و مادر رفت و آمد داشته باشد و صله رحم را وصل نماید.

به زیارت و دیدار عمو، عمه، دایی و خاله برود و آنها را گرامی بدارد.

پیامبر اکرم فرمان داده‌اند کسی که مادرش فوت نمود خاله‌اش را

اکرام نماید.

آیا ما توان ادای، خوبی و حقوق پدر و مادر را داریم؟

سوال اینجاست که آیا واقعاً بعد از ادای این واجبات حق پدر و مادر را ادا کرده‌ایم.

مردی نزد رسول خدا آمد و گفت: ای رسول خدا مادرم را بر شانه‌ام گذاردم و به حج بردم. آیا با این کار حقش را ادا کردم.

رسول اکرم (ص) فرمودند: نه نه. حتی این همه زحمت طواف بین صفا و مروه و همه افعال حج تو جزئی از درد زایمان را ادا نمی‌کند.

و نیز رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «لا یجزی ولد والده الا ان یجده مملوکاً فیشتریه فیعتقه» فرزند نمی‌تواند حق پدر و مادر را اداء کند مگر اینکه آنها برده باشند که آنها را بخرد و آزاد نماید.

چه کسی از ما توانایی دارد که این حق بزرگ و دین عظیم را اداء نماید؟

چه کسی از ما می‌تواند که همه حقوق پدر و مادر را به صورت کامل یا جزئی از آن را اداء کند؟

پس وظیفه ما این است که باید از آنها فرمانبرداری و اطاعت نمائیم. زیرا هر کس از پدر و مادرش فرمانبرداری کند وارد بهشت می‌گردد

و خداوند متعال از او راضی می‌شود.

نافرمانی پدر و مادر جرمی عظیم و نابخشودنی

تعدادی از فرزندان گناه عظیمی را مرتکب می‌گردند و آن نافرمانی و بی احترامی به پدر و مادر است با کمال ناباوری او را ناسپاس، و نافرمان می‌یابی و چه بسا که به آنان ناسزا بگوید.

یا دست جنایت را بسوی شان دراز نماید و آنان را کتک زند. یا در حالی که پدر و مادر نیازمند به کمک او باشند آنان را رها نماید. برای اینکه بدانیم چه جرم سنگین و شنیعی است باید به سنت پیامبر اکرم (ص) مراجعه نمائیم آنجا که می‌فرمایند:

«الا أنبئکم باکبر الکبائر ألإ اشراک بالله و عقوق الوالدین»

آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره با خبر نکنم. شرک به خدا و نافرمانی پدر و مادر

و نیز می‌فرمایند: «من الکبائرشتم الرجل والدیه» از جمله گناهان کبیره دشنام و ناسزاگوئی پدر و مادر است. اصحاب سوال کردند: آیا کسی پدر و مادرش را دشنام می‌دهد. قال: «نعم یسب أبا الرجل فیسب أباه و أمه»

فرمودند: آری پدر و مادر دیگران را دشنام می‌دهد. دیگران نیز پدر و مادرش را دشنام می‌دهند.

یعنی وقتی به پدر و مادر مردم بدو بیراه بگوید مردم نیز به پدر و مادر او بد و بیراه می‌گویند در نتیجه دشنام به خودش بر می‌گردد. و این جریمه‌ای سنگین و بزرگ در نزد خداوند بحساب می‌آید که غیر از انسانهای یاغی و نافرمان کسی چنین جرمی را مرتکب نمی‌شود ولی انسانهای با ایمان زبان شان را از چنین سخنانی حفظ می‌کنند و به اینگونه یاوه‌گویی ها آلوده نمی‌نمایند و نیز رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: براستی خداوند متعال نافرمانی پدر و مادر را بر شما حرام نموده است.

نمونه‌هایی از نافرمانی پدر و مادر

۱- اینکه فرزند در هیچ کاری از پدر و مادر اطاعت نکند یا اینکه در کاری که دوست دارد اطاعت نماید و در کاری که دوست ندارد اطاعت ننماید و آنها را خسته و ناراحت نماید.

عده‌ای از فرزندان خواب و استراحت را بر کمک به پدر و مادر ترجیح می‌دهند و تعدادی دیگر نیز تماشای تلویزیون را بر کمک به

پدر و مادر ترجیح می‌دهند.

۲- بعضی از فرزندان با مردود شدن در درس‌ها یا به وجود آوردن مشکلات یا گوش ندادن به دستور پدر و مادر اسباب ناراحتی شان را فراهم می‌کنند.

۳- و چه بسا که عده‌ای دیگر برخورد نامناسبی با پدر و مادر داشته باشند و آنها را ناراحت و خشمگین نمایند.

۴- بعضی از فرزندان نیز بد دهان اند و پدر و مادرشان را دشنام می‌دهند.

۵- عده‌ای از فرزندان مجرم و جنایت کاراند و دست شان را روی پدر و مادر بلند می‌کنند.

۶- تعدادی از فرزندان از شغل پدر و کار مادرشان خجالت می‌کشند اما آنان نمی‌دانند که اگر ستارگان آسمان در اختیار پدر و مادرشان باشد در دست آنان می‌گذارند و به خاطر سعادت و موفقیت او کار می‌کنند.

۷- عده‌ای دیگر صدایشان را بر پدر و مادر بلند می‌نمایند.

۸- بسیاری از فرزندان، دوستان و رفقایشان را از پدر و مادر بیشتر دوست می‌دارند و هدایای زیادی را به آنان تقدیم می‌کنند اما پدر و

مادر را فراموش می‌نماید.

۹- برخی از فرزندان حتی اموالشان را از پدر و مادر دریغ می‌نمایند خودخواه و مغرورند و همه چیز را فقط برای خود می‌خواهند.

۱۰- و بعضی دیگر با خواسته‌های نابجا و دستور دادن به پدر و مادر آنان را به مشقت می‌اندازند.

کیفر نافرمانی پدر و مادر

حکایت شده است که مردی در زمان گذشته پدرش را به لباسهایش می‌بست و او را کتک می‌زد. و فردی که در آن نزدیکی‌ها مغازه‌ی خوار و بار داشت بارها این صحنه عجیب را مشاهده نمود. وقتی پدرش مرد و این فرد کهنسال شد همان خواروبار فروش منظره عجیبی را دید. همانگونه که آن مرد پدرش را می‌بست و کتک می‌زد فرزندش نیز همانگونه او را بست و کتک زد. وقتی که فرزند پدرش را کتک زنان تا مغازه این شخص آورد صاحب مغازه فریاد کشید کافی است پدرت فقط تا همین جا پدرش را به زمین می‌کشید و می‌زد.

مرد ثروتمندی دارای فرزند کوچکی بود و پدری کهنسال نیز

داشت که با آنان زندگی می‌کرد. مرد ثروت‌مند در ظرفی چوبی برای پدرش غذا می‌گذاشت. پسر کوچک از وی پرسید: چرا برای پدر بزرگم در این ظرف غذا می‌گذارید. گفت: پدر بزرگت سالخورده است و می‌ترسم بشقاب‌های با ارزش و گران قیمت ما را بشکند.

فرزند در جواب پدر گفت: من هم ای پدر این بشقاب چوبی را محافظت می‌کنم تا وقتی شما به سن پدر بزرگ رسیدید غذا را در همان ظرف به شما تقدیم کنم.

آری: عزیزان اینچنین است کسی که بدی بکارد پیشمانی می‌درود. و پاداش نیکی جز نیکی نیست.

رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «همه گناهان را خداوند در آخرت کیفر می‌دهد جز چند مورد که مهم‌ترین آنها نافرمانی پدر و مادر است که قبل از مردن نیز او را به کیفر گناه زشتش میرساند.

همه گناهانی را که انسان مرتکب می‌گردد خداوند می‌بخشد یا در آخرت صاحبش را مجازات می‌کند. جز نافرمانی پدر و مادر که شخص کیفر گناهانش را باید در دنیا ببیند.

راه توبه نافرمان پدر و مادر چیست؟

بعضی اوقات خداوند متعال از فرزند نافرمان به خاطر بعضی از

اعمال خیر راضی می‌شود. توبه را در نظرش جلوه می‌دهد و این فرد اراده توبه می‌کند.

کسی که از نافرمانی پدر و مادر پشیمان گشته و می‌خواهد توبه کند باید نزد پدر و مادر برود و گذشت و بخشش را از آنها طلب کند.

به خدا سوگند قلب پدر و مادر نسبت به فرزند نرم است فرزند را می‌بخشند و از تقصیرش در می‌گذرند سپس از خدا آمرزش بخواهد و با خدا پیمان ببندد که دیگر چنین گناهی را انجام ندهد.

اما کسی که نافرمانی پدر و مادر را نموده و پدر و مادرش فوت نموده است کنار قبرشان خاضر شده و برایشان از خدا آمرزش بخواهد و از خدا بخواهد که او را نیز ببخشاید و بسیار در راه خدا انفاق نماید و به روحشان ببخشد و به خویشاوندان پدر و مادرش نیکی کند امید است خداوند او را مورد مغفرت خود قرا دهد.

و بیاد داشته باش: خداوند فرزندان را به نیکی به پدر و مادر سفارش نموده‌است اما پدر و مادر را به نیکی به فرزند سفارش ننموده است.

نکته‌های پندآمیز:

۱- فرمانبرداری و نیکی به پدر و مادر در زندگی و بعد از مرگ

۲- نافرمانی پدر و مادر گناه بزرگی است که خداوند آن را جز با توبه نمی‌بخشد.

۳- پدران و مادران رمز زندگی ما در دنیا بعد از خداوند می‌باشند.

۴- شناخت حقوق پدر و مادر در زندگانی و بعد از مرگ

۵- هر چه به پدر و مادر نیکی کنیم نمی‌توانیم حقشان را اداء نماییم.

۶- اگر مرتکب نافرمانی پدر و مادر شویم سریعاً توبه کنیم تا عذاب خداوند متعال دامنگیر ما نشود.

سوالهای این درس

۱- چرا خداوند فرزندان را سفارش نموده که به پدر و مادر نیکی کنند ولی پدر و مادر را به نیکی به فرزندان سفارش ننموده است.

۲- خلاف نیکی به پدر و مادر چیست؟

۳- وقتی که خواسته باشی احسان و نیکی پدر و مادرت را در حقت به مردم بیان کنی چه می‌گویی؟

۴- جاهای خالی ذیل را پر کن

احق الناس بصحبتک امک ثم.......... ثم....... ثـــــم

....

و لقد حرم الله عزوجل........... الامـــهات و هـــو مـــن

....

وَ مِنْ واجب الابناء........... الی ابـویهما فـلا تـقل لهـما

.... و لا تَنْهَرْهُمٰا

و الجنة تحت اقدام...........

۵- چه کند کسی که پدرش فوت نموده است و نافرمانی پدر و مادر را در زمان حیاءتشان نموده است؟

۶- به فرزندانی که نافرمانی پدر و مادر را نموده انـد چـه پـیام و سفارشی داری؟

پاسخ‌ها

دانش‌آموز عزیز - پاسخ این سوالات به عهده تو است.

شفقت و مهربانی

رسول خدا می‌فرمایند: «ان الله رفیق یحب الرفق فی الامر کله» (متفق علیه)

خداوند مهربان است و نرمی در همهٔ امور را دوست می‌دارد.

و نیز رسول خدا میفرمایند: «من لا یرحم الناس لا یرحمه الله» (متفق علیه)

کسی که به مردم رحم نکند خدا به او رحم نمی‌کند.

نرمی و مهربانی خصلت بزرگوارانه‌ای است که اسلام و پیامبر اکرم (ص) ما را به متصف شدن بدانها سفارش نموده است. انسان مهربان فردی نرم دل است که پیوسته کارهای خیر انجام می‌دهد.

خداوند در مورد پیامبرش می‌فرماید: «بِالْمُؤْمِنِينَ رَئُوْفٌ رَحِيْمٌ» (توبه ۱۲۸) پیامبر به مومنین ،مهربان و بخشنده بود.

مهربانی اخلاقی است بس عالی که جز مومنان بدان متصف نمی‌شوند.

خداوند متعال می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظاً

غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَ نْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ» آل عمران ۱۹۵
از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشتخوی و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شوند.
اگر پیامبر اکرم (ص) مهربان نمی‌بود مردم در اطرافش جمع نمی‌شدند.
ولی رسول اکرم نرم دل و مهربان بود که این خصلت ایشان را محبوب و دوست داشتنی نموده بود تا جائی که خداوند متعال می‌فرماید: «وَ مَا اَرْسَلْنَاکَ اِلاَّ رَحْمَةً لِلْعَالَمِیْنَ» انبیاء ۱۰۷
ما تو را رحمتی برای جهانیان فرستادیم
و از جمله ی نامهای الهی «رحیم - رحمن - رئوف و رفیق» می‌باشد که همه جهان هستی با رحمت و لطف پروردگار به زندگیش ادامه می‌دهد و در سایه آن زندگی می‌کند.

نمونه هایی از مهربانی و شفقت

۱- مهربانی به انسانها
پیامبر اکرم (ص) مهربان‌ترین شخصیت روی زمین بودند. قلبش نرم بود. که رحمت از آن می‌جوشید و با نرمی و شفقت با مسلمانان

برخورد می‌نمود. با همه گان چه کوچک و بزرگ، چه مومن و مشرک، با شفقت و مهربانی رفتار می‌کرد.

دارای سعه صدر بود، کفار چهرهٔ مبارکش را زخمی و خون آلود می‌کنند در حالی که اشک از چشمان مبارکش جاری است جبرئیل امین نزدش می‌رسد و می‌گوید: اگر شما بخواهی خداوند آنها را هلاک می‌کند. پیامبر اکرم می‌فرمایند: «اللهم اغفر لقومی فانهم لا یعلمون» بارالها قومم را ببخش زیرا آنان نمی‌دانند.

عربی روستائی خدمت رسول اکرم آمد، (اعراب روستائی که در درشتخوئی و سنگدلی شهرت داشتند.) عرب روستایی رو به پیامبر نمود و گفت: به من مال بده زیرا این اموال مال خداست مال تو و پدرت نیست.

سپس ردای پیامبر را بشدت کشید که اثرش در گردن مبارک ظاهر شد. عده‌ای از یاران پیامبر بلند شدند تا او را ادب کنند.

رسول خدا به آنان گفت: آزادش بگذارید. مرد روستائی گفت ای محمد تو بدی را با نیکی پاسخ می‌دهی. پیامبر اکرم به او ترحم نمود و او را بخشید چه راست گفته است آنکه وی را نسبت به مؤمنین رئوف و رحیم نامیده است.

رسـول اکـرم کـودکان خـردسال را دوست مـی‌داشت و آنـها را می‌بوسید. فردی پیامبر را دید که کودی را می‌بوسد گـفت: مـن ده فرزند دارم و هرگز هیچ کدامشان را نبوسیده ام.

رسول اکرم فرمودند: «الراحمون یرحمهم الله من لا یرحم الناس لا یرحَمْهُ الله»

«خداوند بر انسانهای مهربان ترحم می‌نماید کسی که به مردم رحم نکند خداونـد بـه او رحـم نـمی‌کند.» و نـیز پـیامبر اکـرم (ص) می‌فرمایند:

«لَیْسَ مِنّٰا مَنْ لَمْ یَرْحَمْ صَغیرَنٰا»

کسی که به کوچکهای (کودکان) ما رحم نکند از ما نیست.

۲ - مهربانی به حیوانات

رسول اکرم (ص) به مسلمانان سفارش نموده است که به حیوانات ترحم و مهربانی نمایند. حیوان را گرسنه و تشنه نگه ندارند و او را کتک نزنند و او را زندانی نکنند تا اینکه بمیرد. در یکی از سفرهای جنگی، مسلمانان در محلی بار سفر انداختند تا استراحت نمایند. مردی از مسلمانان تخم پرنده‌ای (گنجشکی) را آورد، پرنده آمد و بالهایش را روی شانه رسول الله باز کرد و تکان داد.

پیامبر فرمودند: چه کسی تخم این پرنده را برداشته است. آن مرد گفت: من. رسول خدا به او دستور دادند که به خاطر ترحم به این پرنده تخمش را بر گرداند و در لانه‌اش بگذارد.

شتری آمد و جلو پیامبر شروع به گریه کرد. پیامبر (ص) با او صحبت نمودند.[۱] و به صاحب شتر گفتند: این شتر از کار زیاد شکایت دارد بعد از این جریان صاحب شتر بر او ترحم نمود.

رسول خدا (ص) برای ما حکایت نموده است که مردی از راهی می‌گذشت تشنگی بر او فشار آورد چاهی را پیدا نمود وارد چاه شد و خودش را سیراب نمود و خارج شد در این هنگام سگی را دید که از شدت تشنگی زبانش از دهان بیرون آمده و لَه لَه می‌زند و زبانش را به خاکهای مرطوب کناره ی چاه می‌کشد.

مرد نگاهی به سگ انداخت و با خود گفت این سگ همانند من تشنه شده و تشنگی بر او فشار آورده است. از چاه پائین رفت و موزه‌اش را پر آب کرد و سگ را سیراب کرد. خداوند گناهان او را بخشید.

پیامبر اکرم (ص) به خاطر شفقت بر حیوانات در هنگام ذبح ما را

۱-این از معجزات رسول اکرم است.

امر به امور زیر نموده است:
۱- راحت ذبح نمودن و نشان ندادن کارد به حیوان قبل از ذبح
۲- سریع ذبح نمودن
۳- کارد باید تیز باشد تا حیوان احساس درد نکند
۴- حیوان را جلو دید مادرش یا حیوان دیگری ذبح نکنند.
۵- حیوانات گرسنه و تشنه نگه داشته نشوند و زندانی نشوند تا اینکه بمیرند.

رسول اکرم (ص) ما را از واقعه زنی خبر دار نموده‌اند که به خاطر گربه‌ای وارد جهنم شده است. آری این خانم گربه را در خانه زندانی کرده بود تا از تشنگی و گرسنگی مرد، نه آزادش می‌کرد تا آب بنوشد و از حشرات زمین بخورد و نه به او و آب و غذا می‌داد.

شفقت، مهربانی و دلسوزی از اخلاق متعالی اسلام است. مهربانی از ویژگیهای پیامبران و یاران مبارکشان بود. لازم است خودمان را بدان آراسته نمائیم.

کیفر و مجازات سنگدلی

در حقیقت مجازات سنگدلی و درشتخوئی کاملاً برای ما واضح است:

۱- انسان سنگدل و بیرحم وارد بهشت نمی‌شود چون خداوند او را دوست ندارد.

۲- مردم از او بیزار و متنفرند

۳- خداوند متعال بر کسی که به مردم رحم نمی‌کند ترحم و شفقت نمی‌نماید.

پاداش مهربانی، شفقت و نرمی

۱- محبت خدا و ورود به بهشت

۲- خداوند به او رحم می‌نماید و او را از مقربان درگاهش می‌گرداند

۳- مردم او را دوست می‌دارند و به دید محبت و دوستی به او می‌نگرند.

۴- فردی که دارای این ویژگیها است خودش را مشابه رسول خدا و یارانش نموده است

بعضی از مظاهر و نمادهای رحمت در جامعه

۱- ترحم بر کودکان و تند خوئی نکردن با ایشان

۲- ترحم بر یتیمان و توجه به آنها

۳- ترحم بر انسان‌های سالخورده، به عنوان مثال مناسب نیست که پسر جوان یا دختر جوان در اتوبوس خط واحد یا مترو روی صندلی نشسته باشند و پیرمرد و یا پیرزنی که توان ایستادن را ندارند ایستاده باشند.

۴- ترحم و شفقت بر پدر و مادر هنگام پیری

۵- بعد از مرگ دعای بخشش و طلب مغفرت نمودن برایشان «وَ قُلْ رَبِّ اَرْحَمْهُمٰا كَمٰا رَبَّيٰانِي صَغيِراً» و بگو بارالها آنها را مورد بخشش قرار بده آنگونه که در کوچکی مرا تربیت نمودند.

۶- مهربانی به حیوانات و آزار و اذیت نکردن آنها

نکته‌های پندآمیز این درس

۱- رحمت صفتی است از صفت‌های خداوند متعال «اَلرَّحْمٰنِ الرَّحيِمْ»

۲- رسول خدا (ص) نسبت به مومنان دلسوز و مهربان بودند.

۳- مهربانی با کوچک و بزرگ از اوصاف مومنین است

۴- مهربانی با حیوانات نیز از صفات مومنین است

۵- پاداش انسانهای رحیم بهشت است

۶- مجازات بیرحمان آتش جهنم است

سوالات

۱- کسی که به کوچک، بزرگ و حیوانات ترحم و شفقت می‌کند چه نامیده می‌شود؟

آنکه به هیچکس ترحم نمی‌کند و توجهی ندارد چه نامیده می‌شود؟

جاهای خالی ذیل را پر کن

الرحمه و......... و.......... من صفات المومنین

و قد کان النبی (ص) بالمومنین

و قد اعاد البیضته لطائر......... و عطف علیه و اخبرنا ان أمرأة دخلت النار

فی......... و کان یحب الصغار و یقول لیس......... من لم

....

صغیرنا و دعا لمن ضربه فقال: اللهم......... لقومی فانهم لا

اگر با موقعیت‌های زیر روبرو شدی چه می‌کنی؟

۱- سوار اتوبوس یا قطار هستی و پیرمرد یا پیرزنی که توان ایستادن را ندارد می‌بینی در این وضعیت چه می‌کنی؟

۲- دوستت را می‌بینی که حیوانات را می‌زند؟

۳- هنگامی که پدر و مادرت به سن پیری رسیدند و از تو چیزی می‌خواستند؟

۴- پسر بچه یتیمی را می‌بینی که مردم او را اذیت می‌کنند؟

پاسخ‌ها

۱- الرحیم - الفظ الغلیظ

۲- الرفق - والرافه - رئوفاً - رحیماً - الحُمَرة - هرة - منا - یرحم - اغفر - یعلمون

راستگوئی و پرهیز از دروغ

قال رسول الله (ص): «ان الصدق یهدی الی البر و ان البر یهدی الی الجنة و ان الرجل لیصدق حتی یکتب عند الله صدیقاً و ان الکذب یهدی الی الفجور و ان الفجور یهدی الی النار و ان الرجل لیکذب حتی یکتب عند الله کذاباً» (متفق علیه)

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «راستگوئی انسان را بسوی نیکی می‌برد و نیکی او را وارد بهشت می‌کند فرد پیوسته راست می‌گوید تا جائی که در نزد خداوند صدیق[1] لقب می‌گیرد و دروغ انسان را به سوی زشتی و گناه می‌کشاند و گناه فرد را وارد جهنم می‌کند. شخص پیوسته دروغ می‌گوید تا اینکه در پیشگاه خدا «کذاب»[2] لقب می‌گیرد.»

و قال رسول الله (ص): آیة المنافق ثلاث: اذا حدث کذب و اذا وعد

۱-بسیار راستگو
۲-بسیار دروغگو

اخلف و اذا ائتمن خان» (متفق علیه)
رسول خدا (ص) می‌فرمایند: نشانه منافق سه چیز است: وقتی سخنی بگوید دروغ می‌گوید وقتی وعده کند خلاف وعده می‌نماید و وقتی امانتی به او سپرده شود خیانت می‌کند.
دین اسلام اهمیت فراوانی به تربیت درست مسلمانها می‌دهد که بر پاکی قلب و زبان استوار باشد.
رسول اکرم (ص) را قبل از پیامبری به خاطر صداقتش صادق و امین لقب داده بودند زیرا در تمام مدت عمر دروغی از ایشان شنیده نشده بود.
خداوند متعال حضرت اسماعیل را به خاطر صداقت و راستگوئی ستایش می‌نماید آنجا که می‌گوید: «واذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً» مریم ۵۴
«در کتاب آسمانی از اسماعیل بگو آن کسی که در وعده هایش راست بود و پیامبر والامقامی بود.»
رسول اکرم (ص) یارانش را به راستگوئی امر می‌کنند.
هنگامی که: هرقل «هیراکلیوس» پادشاه روم از ابوسفیان که در آن زمان کافر بود می‌پرسد که: پیامبر شما را به چه چیزی دستور

می‌دهد. ابوسفیان در جواب می‌گوید: ما را امر به راستگوئی می‌نماید.

حضرت جعفر بن ابی طالب در مجلس نجاشی پادشاه حبشه می‌گوید:

پیامبر ما را به راستگوئی و امانت داری امر می‌کند. مسلمان راستگو و شجاع است و از کسی جز خدا نمی‌ترسد در حالی که دروغگو ترسو است و از مردم هراس دارد و مومن هرگز دروغگو نمی‌شود. دروغ چیست؟ اینکه انسان واقعه‌ای را بیان کند که اتفاق نیفتاده است. یا چیزی را ادعا کند که در او نیست. مثلاً بگوید: چنان کردم در حالی که نکرده یا فلانی را دیدم در حالی که وی را ندیده یا به برادرش بگوید تو را دوست دارم و از او بد می‌برد. و این از ویژگی و خصلت‌های منافقین است که خداوند و رسول و مومنان از آن بیزار و متنفرند.

بخشی از اقسام و نمونه‌های دروغ

۱- باری پیامبر از خانه بیرون شدند. کودکی را دیدند که مشغول بازی است مادرش به او گفت بیا تا چیزی به تو بدهم

پیامبر (ص) به زن گفتند: چه می‌خواهی به او بدهی. زن گفت: خرما

پیامبر (ص) گفتند: اگر آنچه وعده دادی عمل نکنی در نامه اعمالت یک دروغ ثبت می‌شود. پیامبر اکرم (ص) وی را از دروغ گفتن حتی به کودک خردسال نیز باز داشتند.

زیرا برخی از مادران کودکشان را صدا می‌زنند و می‌گویند: بیا تا چیزی به تو بدهم. همینکه کودک می‌آید چیزی به او نمی‌دهند. پس در نتیجه دروغگو می‌شوند.

همچنین اگر کسی به دوستش بگوید فردا چیزی به تو خواهم داد و ندهد به او دروغ گفته است.

۲- اینکه انسان به دروغ ادعا نماید که چیزی از آن اوست. مثلاً ادعا نماید که این قلم یا کتاب که در دست دوستش می‌باشد از اوست. با این ادعایش هم به دوستش دروغ گفته و هم به خدایش

۳- داستانهایی را بگوید که اتفاق نیفتاده است یا ادعا نماید که سرمایه‌ای دارد در حالی که چنین نیست.

۴- دروغ به پدر و مادر. بعضی از فرزندان وقتی دیر به منزل می‌آیند پدر و مادر از او می‌پرسند کجا بودی؟ و او به دروغ می‌گوید با دوستم بودم یا به کلاس بودم یا دیر از مدسه آزاد شدم یا در راه معطل شدم و خداوند می‌داند که مشغول بازی یا سرگرمی بوده

است. خداوند او را به خاطر این دروغش محاسبه می‌کند.
۵- دروغ به معلم: وقتی دانش‌آموز تنبل است و تکالیف مدرسه را انجام نمی‌دهد می‌گوید: مریض بودم یا پدرم مریض بود و من کارهای بیرون از منزل را انجام می‌دادم یا دروغ دیگری از این قبیل
۶- ادعا کند که خوابی دیده در حالی که چنین خوابی ندیده است کسی که چنین ادعای نابجایی کند در روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می‌کند که خداوند بر او خشمناک است سپس او را وارد جهنم می‌کند.
رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: کسی که خود را خواب نما کند جایش در جهنم است یعنی به دروغ ادعا نماید که خوابی دیده است
۷- گواهی دروغ: خداوند متعال میفرماید: «و اجتنبوا قول الزور» (حج ۳۰) «از سخن و گواهی دروغ بپرهیزید.»
و نیز خداوند در اوصاف بندگان نیک می‌فرماید: «وَ الَّذینَ لاٰ یَشْهَدوُنَ الزُّورَ» (فرقان ۷۲)
مومنان واقعی کسانی‌اند که شهادت دروغ نمی‌دهند یعنی مومنان از این خصلت زشت بدوراند.

شهادت به دروغ این است که انسان ناحق گواهی دهد. مردم از وی سوال می‌کنند که آیا تو فلانی را دیدی که دزدی می‌کند یا قتلی را مرتکب می‌شود. در پاسخ می‌گوید: بلی. در حالی که نه او را دیده و نه شنیده است. در نتیجه با این شهادت دروغ وی انسان بی گناهی به قتل می‌رسد. پیامبر اکرم (ص) گناه این کار را بسیار سنگین شمرده‌اند.

می‌فرمایند: آیا خبر ندهم شما را از بزرگترین گناهان کبیره. شرک به خدا، نافرمانی پدر و مادر و گواهی دروغ. پیامبر تکیه زده بودند. نشستند و گفتند: هان. شهادت دروغ هان شهادت دروغ چندین مرتبه این جمله را تکرار نمودند و تکرار یک کلمه یا عبارت دلالت بر اهمیت آن دارد.

۸- اینکه به دروغ سوگند بخورد و سوگند دروغ از گناهان کبیره است.

کسی که به دروغ سوگند یاد کند وارد جهنم می‌شود و چنین سوگندی را سوگند غموس «یعنی غوطه خوردن در آتش» گویند و تا قعر جهنم پائین می‌رود. مانند اینکه راه هفتاد ساله را بدون استراحت طی کند چه کسی تحمل چنین عذابی را دارد؟

بسیاری از مردم عادت کرده‌اند که بگویند: «والله» بخدا قسم و ما بخوبی می‌دانیم که مسلمان جز برای کاری بسیار مهم سوگند نمی‌خورد و زیاد سوگند خوردن دلیل بر دروغگوئی شخص محسوب می‌شود و هرگز دلیل راستگوئی نیست. پس عزیزم زبانت را از اینکه به دروغ سوگند یاد کند پاک بدار و بدان که مسلمان نه در راستی و نه در دروغ، سوگند یاد نمی‌کند.

۹- یکی دیگر از اقسام دروغ این است که شخصی در توبه‌اش با خدا صادق نباشد اگر مسلمان گناهی انجام می‌دهد و از آن توبه می‌کند باید توبه‌اش صادقانه باشد و اگر توبه صادقانه نبود خیلی زود به آن گناه باز می‌گردد و وارد جهنم می‌شود.

۱۰- و همچنین یکی دیگر از اقسام دروغ این است که سخنان شخص براساس شنیده‌ها باشد یعنی هر چه را می‌شنود تعریف کند. رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «کفی بالمر کذباً ان یحدث بکل ما سمع» برای دروغگویی شخص همین بس که هر چه را می‌شنود بگوید.

یعنی انسانی که هر چه می‌شنود برای مردم نقل می‌کند دروغگو است بلکه از بدترین دروغگویان است

۱۱- اینکه فرد مسلمان برای خنداندن مردم لطیفه‌ها و جک‌های دروغی تعریف کند که پایه و اساسی ندارند. بعضی از کودکان برای خنداندن پدر و دوستانشان دروغ می‌گویند.

سرانجام دروغ

رسول اکرم (ص) به ما خبر داده است که برای دروغگو عذاب سختی در جهنم در نظر گرفته شده است. در شب معراج رسول اکرم (ص) فردی را مشاهده نمودند که میله‌ای آهنی در دست دارد که با آتش سرخ شده است آنرا در رخسار چپش می‌گذارد و چنان از پشت آنرا می‌کشد که از زیر فک و رخسار راستش بیرون می‌شود. مرتب این کار را انجام می‌دهد. رسول خدا پرسیدند: این کیست؟ جبرئیل گفت: دروغگو است که تا روز قیامت این چنین مجازات می‌شود.

روزی امام بخاری (رحمة) به خاطر شنیدن حدیثی از احادیث نزد فردی رفتند و دیدند که دامنش را جمع کرد و دنبال اسبش می‌رود و به اسب اشاره می‌کند که داخل دامنش جو یا کاه است. وقتی اسب برگشت مرد پیراهنش را رها کرد و در آن نه جو بود و نه کاه. امام

بخاری بعد از مشاهده این صحنه فرمودند: کسی که به حیوانی دروغ بگوید به انسانها نیز دروغ می‌گوید با سرعت آنجا را ترک کرده و رفتند.

شوخی و مزاح پیامبر (ص) صادقانه بود

بعضی اوقات انسان فکر می‌کند که اگر دروغ نگوید دیگران نمی‌خندند بنابراین سخنی می‌گوید که اتفاق نیفتاده است ولی رسول اکرم (ص) به ما آموخته است که شوخی ، مزاح و سرگرمی صادقانه و درست چگونه است.

رسول خدا (ص) به پیرزنی گفتند: در چشم‌های تو سفیدی است. زن گمان کرد هدف پیامبر بیماری است گفت: ای رسول خدا چنین نیست.

پیامبر فرمودند: آیا در چشم‌های همه ما سفیدی و سیاهی نیست. سپس زن خندید.

و همچنین پیامبر اکرم (ص) به شوخی به پیرزنی گفتند: پیرزنها وارد بهشت نمی‌شوند. پیرزن که گمان کرد هرگز وارد بهشت نمی‌شود شروع به گریه نمود. پیامبر (ص) خندید و گفت: در حال

پیری کسی وارد بهشت نمی‌شود چون خداوند متعال جوانی را دو مرتبه به بهشتیان باز می‌گرداند.

پیامبر اکرم خرما تناول می‌نمودند و عمر بن خطاب (رض) همراه ایشان بود. عمر همه هسته‌های خرمایی را که می‌خورد دور می‌انداخت. سپس به رسول خدا گفت: ای رسول الله همه این خرماها را شما تناول فرمودید. رسول خدا در پاسخ عمر (رض) فرمودند: ای عمر من همه اینها را بدون هسته خوردم اما تو ای عمر خرما را با هسته خوردی.

عاقبت صداقت و راستی

در زمان گذشته نوجوانی برای کسب علم و دانش راه سفر را در پیش گرفت. مادرش به او گفت: فرزندم هرگز دروغ نگویی. زیرا نجات در راستی است گرچه انسان با راست گفتن به هلاکت برسد. مادر صد دینار به فرزندش داد.

نوجوان راه سفر را در پیش گرفت و به بیابان رسید در راه تعدادی دزد به او برخوردند. به او گفتند: آیا همراهت پول هست.

گفت: آری صد دینار همراهم می‌باشد.

دزدها از کار او در شگفت شدند و تعجب نمودند. زیرا مردم وقتی دزدها را می‌بینند پولشان را پنهان می‌کنند و می‌گویند پولی با ما نیست.

سارقین خندیدند و گفتند: ما را مسخره می‌کنی.

دانش‌آموز نوجوان گفت: نخندید. این مقدار پول همراه من است دزدها او را پیش رئیسشان بردند. رئیس دزدان به او گفت: چرا دروغ می‌گوئی و ادعا می‌کنی که با تو صد درهم است.

نوجوان گفت: به شما دروغ نگفتم. و این هم پولی که همراه من است و صد درهم را بیرون نمود. رئیس دزدان گفت: فرزندم چرا دروغ نمی‌گوئی؟

در جواب گفت: مادرم مرا به راستگوئی دستور داده است من هرگز دروغ نمی‌گویم تا نافرمانی مادرم را نکرده باشم.

مرد شروع به گریه نمود و گفت: تو مـی‌ترسی اگـر دروغ بگـوئی مادرت ناراحت شود و من از اینکه خدا را ناراحت کنم نمی‌ترسم. فرزندم درس مهمی به من دادی. سپس توبه کرد و دست از دزدی برداشت و سایر دزدان نیز با او توبه نمودند. و جوان و مالش را رها کردند.

آری چنین است. همیشه در راستگوئی نجات است.

حکایت شده که فردی ستمگر با مامورینش مردی مظلوم را تعقیب می‌کردند. مرد ستمدیده به منزل یکی از نیکان مخفی شد. خبر به ستمگر رسید در پی او آمدند تا به منزل مرد نیکوکار رسیدند. از وی پرسیدند آیا فلانی پیش تو آمده است؟ گفت: آری داخل منزل است. او را رها کردند و بازگشتند.

مرد مظلوم به او گفت: چرا این کار را کردی و آنها را از حضورم در اینجا با خبر ساختی. مرد نیک به او گفت: فرزندم نجات در راستی است و خداوند با راستگوئی من نجاتت داد.

مجازات دروغگو و پاداش راستگو

خشم خداوند متعال بر دروغگو است. او را وارد آتش می‌کند و نامش در نزد خدا به عنوان دروغگو ثبت می‌شود.

مشهور به دروغگوئی می‌شود و در نتیجه مردم از او فاصله می‌گیرند.

از منافقین و فاجرین[1] به حساب می‌آید.

پاداش راستگو

۱- خداوند متعال او را دوست می‌دارد و در نزد خداوند لقب صدیق می‌گیرد و او را وارد بهشت می‌کند.

۲- به راستگویی مشهور می‌گردد مردم او را دوست می‌دارند چنانچه رسول خدا (ص) را دوست می‌داشتند.

۳- از مومنان راستگو به شمار می‌آید.

۴- خداوند متعال به سبب راستی و صداقتش او را از هر بدی نجات می‌دهد.

نکته‌های پندآمیز درس

۱- راستگو دوست خدا و دروغگو دشمن خدا است

۲- راستگو از مومنان است و دروغگو از منافقان

۳- سخن حق را بگو گر چه تلخ باشد

۴- راستگو با راستیش نجات می‌یابد و دروغگو با دروغش هلاک می‌شود.

۱-فاجرین = بدکاران

۵- از نام‌های رسول گرامی اسلام «صادق» است

۶- مسلمان جز راست نمی‌گوید و مومن دروغگو نمی‌باشد.

سوالات

جلو هر یک از این عبارت‌ها یک کلمه ذکر کن

ان یقول الانسان ما لم یحدث و یتکلم بما لیس فی قلبه (   )

ان یقول الانسان الحق دائماً (   )

یمین کاذیة یدخل صاحبه النار (   )

شهادة کاذیة یعذب الله صاحبها (   )

جاهای خالی ذیل را کامل کن

یحب الله تعالی............ و ینهی عن..............

و من حلف بالله

فهو یمین.............. و قد نهانا النبی (ص) عن شهادة

.... و ان تحدث بکل ما

الصدق یهدی الی............ الفجور............ النار

الذی یقول الحق دائماً یکتب عند الله

و الفجور یهدی الی

برداشت خود را از این فصل در پنج سطر بنویس

پاسخ‌ها

الكذب - الصدق - اليمين الغموس - شهادة الزور

الصدق - الكذب - كذباً - غموس - الزور - تسمع

البر - صديقاً - النار

امانت داری و پرهیز از خیانت

پیامبر اکرم (ص) از کنار توده ی گندمی می‌گذشتند. دستشان را داخل گندم‌ها نمودند. انگشتان مبارک خیس شد. از صاحبش پرسیدند این دیگر چیست؟

صاحب گندم گفت: باران آنرا خیس نموده. پیامبر فرمودند: چرا مقداری را که به سبب آب باران خیس شده روی کود نگذاشتی تا مردم آن را ببینند. سپس فرمودند: کسی که خیانت کند از ما نیست.

این حدیث را امام مسلم روایت کرده است این روایت جریانی را بیان می‌کند که رسول اکرم (ص) مشاهده می‌کنند. پیامبر (ص) دستشان را در ظرف گندمی که برای فروش عرضه شده داخل می‌کنند. وقتی رسول اکرم (ص) می‌بینند که گندم خیس در ته ظرف گذاشته شده و گندم خشک و مرغوب روی ظرف پیامبر می‌فهمند که فروشنده قصد خیانت دارد.

بنابراین میفرمایند: کسی که به مردم خیانت کند از ما نیست. این کار خیانت به کسی است که گندم را می‌خرد به گمان اینکه جنس خوب

و مرغوبی است وقتی آنرا به خانه می‌برد می‌بیند که خیس است و امکان آرد کردنش وجود ندارد خیانت از ویژگیهای منافقین است. مسلمان خائن نیست زیرا خیانت نزدیک به دروغ است و مسلمان راستگو است و دروغ نمی‌گوید.

ولی کافر و منافق دروغگو و خیانت کاراند. خیانت به بدی نزدیک است و بدی در آتش و راستگوئی و امانت داری به خوبی نزدیک اند و خوبی در بهشت است. پس لازم است که مسلمان امانت دار باشد و خود را از خیانت به دور دارد زیرا خیانت خصلتی زشت است که در شان و منزلت مسلمان نیست.

اقسام خیانت

۱- خیانت فروشنده به خریدار: کالایی نامرغوب را به بازار عرضه می‌کند و تبلیغ می‌کند که کالای مرغوب و خوبی است در ویترین نمایشی جنس خوب را می‌گذارد ولی هنگام بسته بندی جنس بد را برای مشتری بسته بندی می‌کند.

۲- پخش کردن راز، فردی رازی را به شما می‌گوید، شما به او وعده می‌دهی که رازش را حفظ کنی سپس راز را در میان دوستان و مردم

پخش می‌کنی و او را رسوا می‌نمایی. در حقیقت به او خیانت کردی.
۳- سوگند دروغ این هم یک نوع خیانت است.
۴- کسی چیزی را به شما تحویل می‌دهد آنرا ضایع و نابود می‌کنی یا مالی را به شما می‌سپارد آنرا خرج می‌کنی سپس هنگامی که صاحبش آنرا طلب می‌کند انکار می‌کنی که چیزی را گرفته باشی.

امانت داری

قال الله تعالی «اِنَّ اللّٰهَ یَاْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّ و الأَمٰانَاتِ اِلٰی اَهْلِهٰا» نساء ۵۸
براستی خداوند متعال شما را به سپردن امانات به صاحبانشان فرمان می‌دهد.
خداوند ما را به ادای امانت به صاحبش دستور می‌دهد و ما را از خیانت و تزویر منع می‌کند. رسول خدا (ص) پیش از بعثت به خاطر امانت داری در میان مردم «امین» لقب گرفته بودند.
حتی هنگامی که پیامبر به مدینه هجرت می‌کنند سیدنا علی ابن ابی طالب (رض) را برای بازگرداندن امانات به صاحبانش در مکه نگه می‌دارند تا اینکه مردم نگویند «محمد امین» امانات ما را ضایع کرد.
خداوند متعال حضرت موسی را ستایش می‌کند و در موردش

میفرماید: «القوی الامین» قصص ۲۶ قوی و امانت دار

داستانهائی از امانت داری

پیامبر اکرم (ص) حکایتی را از زمان‌های گذشته برای ما بیان می‌کنند:

شخصی منزلی را خرید. وقتی منزل را به تصرف خویش درآورد کوزه‌ای از طلا را در آن یافت. خریدار نزد صاحب منزل رفت و گفت این کوزه مال شما است من فقط منزل را خریدم و بابت این کوزهٔ طلا پولی پرداخت نکرده‌ام.

صاحب منزل گفت من زمین را به تو فروختم طلا و کوزه و هر چه در منزل است از آن تو است سرانجام پیش شخصی رفتند تا در میان شان قضاوت و داوری کند.

آن فرد گفت: آیا شما فرزند دارید. گفتند: آری. یکی گفت یک دختری دارم و دیگری گفت پسری دارم. گفت: دختر را به ازدواج پسر در آورید و از این کوزه طلا برایشان خرج کنید و زکاتش را به فقرا بدهید آری این است پاداش امانت داری. پیوند خویشاوندی و پاداش دنیا و آخرت.

داستان دیگری نیز حکایت شده است که مردی از یکی از دوستانش درخواست قرض نمود. دوستش به وی گفت: چه کسی ضامن و شاهد تو می‌باشد. گفت: خدا. مردی که قرض گرفته بود به مسافرت دوری رفته بود. خواست قرض را به صاحبش برگرداند شاخه درختی را سوراخ نمود و پول را داخل آن گذاشت سپس گفت: خدایا این امانت و پول را به صاحبش برگردان زیرا فقط تو ضامن و شاهد من بودی سپس چوب را به دریا انداخت.

دوستش که در شهر خودش بود روزی جهت سیاحت و گردش به کنار دریا رفت چوبی را روی آب یافت آنرا از آب گرفت و باز کرد پولی را با نوشته‌ای داخل چوب دید و برداشت بعد از مدتی رفیقش از مسافرت برگشت به او گفت: آیا پول را از چوب گرفتی. دوستش گفت چگونه فهمیدی

گفت: زیرا شاهد من فقط خدا بود و خدا هرگز مرا ضایع نمی‌کند.

این پاداش امانت و وفای به عهد است

مجازات خیانت کار

اولین مجازات خائن این است که از مسلمانان نیست. رسول اکرم

(ص) میفرمایند:
کسی که به مردم و امت ما خیانت کند از ما نیست
در روز قیامت پرچم و تابلوئی بالای سرش نصب می‌گردد و در آن نوشته شده است این فلان خیانت کار است
مردم از او متنفرند و از وی دور می‌شوند. در نتیجه فردی منفور و رانده شده در جامعه می‌گردد.

نکته‌های پندآمیز

۱- امانت از صفات مومنین است
۲- خیانت، فریب کاری و نیرنگ از صفات منافقان است
۳- مجازات خیانت کار (خیانت کاری) جهنم است
۴- پاداش امانت داری بهشت است
۵- شناسایی مظاهر خیانت و داستانهای امانت

سوالات

جاهای خالی را پر کن
۱- کسی که.......... از.......... نیست

۲- از اقسام خیانت........... ،............ ،

....

۳- خداوند شما را آمد می‌کند به صاحبانش بسپارید

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت.......... لقب گرفته بودند

کسی که به تو دروغ می‌گوید و فریبت می‌دهد چه می‌نامی

کسی که امانت را اداء می‌کند چه می‌نامی

خلاصه آنچه را از صفحات قبل فهمیدی در چند خط بنویس

پاسخ‌ها

خیانت کند به ما - از ما

سوگند دروغ - خیانت به همسایه - پخش راز

امانات - امین - خیانت کار - امین

تواضع و پرهیز از تکبر

قال رسول الله (ص): لا یدخل الجنة من کان فی قلبه مثقال ذرة من کبر

رسول خدا (ص) می‌فرمایند: کسی که ذره‌ای تکبر در قلبش جای داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود.

شخصی پرسید که‌ای رسول خدا فردی دوست دارد که لباس و کفش قشنگ و زیبا داشته باشد آیا این تکبر حساب می‌شود؟

رسول خدا فرمودند: ان الله جمیل یحب الجمال الکبر بطر الحق و غمط الناس (دواه مسلم)

براستی خداوند زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد انکار حق و تحقیر مردم تکبر گفته می‌شود.

تکبر چیست؟ اینکه انسان بر این باور و اعتقاد باشد که از همه مردم بهتر است و بالاتر از همه و بر همه برتری دارد و کارش از کار همه مردم بهتر است.

تواضع چیست؟ اینکه انسان خودش را فردی عادی و معمولی

بپندارد، خودش را در دانش، سرمایه و عمل از دیگران برتر نداند بلکه با فروتنی، مهربانی و نرمی با مردم برخورد داشته باشد.

بهترین متواضع رسول خدا (ص) بود

رسول خدا (ص) از همه مردم متواضع‌تر بود ایشان محبوب‌ترین خلق خدا و برتر از همه مردم بودند و خداوند به ایشان می‌فرماید:

«و اخفض جناحک للمومنین»حجر ۸۸

و بال تواضع و فروتنی را برای مومنان فرود آور

فقال الله تعالی: «ان اکرمکم عند الله اتقکم» حجرات ۱۳

براستی گرامی‌ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شما است همه مردم فرزند آدم اند و او از خاک آفریده شده است. همگی در پیشگاه خداوند متعال برابراند هیچ کس بر دیگری برتری و فضیلتی ندارد مگر با ایمان و عمل نیک

سیدنا بلال بن رباح سیاهپوست بود ولی پیامبر ایشان را دوست می‌داشت و از وی قدردانی می‌کرد و در باره‌اش می‌گفت: «سیدنا» آقای ما - سرور ما زیرا وی از مسلمانان نخستین بود و هنگامی که یکی از مسلمانها بدو گفت: ای فرزند سیاه - پیامبر اکرم (ص) به

شدت ناراحت شد تا اینکه آن فرد خودش را به خاک انداخت و به بلال گفت ای بلال پایت را برگردنم بگذار تا رسول خدا دیگر ناراحت نشوند. سیدنا بلال (رض) او را بخشید.

«لقد قال رسول الله (ص) ان الله او حی الی ان تواضعوا حتی لا یفخر احد علی احد»

رسول خدا می‌فرمایند: خداوند متعال به من وحی نموده است که تواضع و فروتنی را اختیار کنید تا اینکه کسی بر دیگری فخر نفروشد.

خداوند متعال پیامبر اکرم را فرمان می‌دهند که تواضع را به مردم بیاموزند و به آنها دستور دهند که هیچ مردی بر مردی دیگر و زنی بر زنی دیگر فخر نفروشد.

چون عرب‌ها در گذشته بر یکدیگر فخر می‌کردند مثلاً یکی می‌گفت: من فرزند فلانی ام پدرم فلان کس و پدربزرگم فلانی است دیگری می‌گفت: ما ثروت مندیم و این همه سرمایه داریم.

از فردی متکبّر سوال شد مردم را چگونه می‌بینی گفت: مثل مگسی. شخص سوال کننده گفت: آنان نیز به دید یک مگس به تو می‌نگرند.

رسول خدا فرمودند: هیچ کس تواضع و فروتنی نمی‌کند مگر اینکه

خداوند او را بلند مرتبه میگرداند تواضع مقام و منزلت انسان را بالا می‌برد و انسان را خوار نمی‌کند. رسول خدا بهترین الگوی ماست. ایشان تواضع و فروتنی نمودند خداوند مقامشان را بالا برد. روز فتح مکه رسول اکرم وارد مکه شدند سرشان را در حدی پائین گرفتند که نزدیک بود چانه مبارک به زین قاطر بچسبد با وجودی که فرماندهی پیروز بودند.

رسول خدا (ص) بسیار متواضع بودند. وقتی که از کنار کودکان که مشغول بازی بودند می‌گذشتند به آنان سلام می‌کردند.

عده‌ای از مردم می‌گویند: اینها کوچک اند و من بزرگ نباید به آنها سلام کنم. ولی رسول اکرم (ص) ما را به تواضع و پرهیز از کبر دستور دادند. پیامبر بر ثروت‌مند و فقیر، کوچک و بزرگ سلام می‌کردند کسی نمی‌توانست در سلام کردن بر پیامبر سبقت بگیرد. پیامبر خدا (ص) به خانواده کمک می‌کردند و از این کار شرم نمی‌کردند. یا نمی‌گفتند من بزرگتر از آنم که در کارهای خانه کمک کنم.

عده‌ای از کودکان و نوجوانان کمک به مادر و پدر را مشکل و پائین‌تر ازشان خود می‌دانند این نوعی کبر و غرور است.

رسول اکرم (ص) در جریان جنگ احزاب در حفر خندق و سنگرها و انتقال خاک با اصحاب کمک می‌کردند تا جائی که گرد و غبار و خاک ، شکم و موهای بدن مبارک را پوشانده بود.

رسول گرامی اسلام روی زمین می‌نشستند سفرهٔ غذایشان روی زمین پهن می‌شد به الاغ، اسب و یا قاطری که داشتند آب و علف می‌دانند و بارها می‌فرمودند: «لا تطرونی کما اطرت النصاری عیسی ابن مریم... ولکن قولوا عبدالله و رسوله» در ستایش من مبالغه نکنید آنچنان که مسیحیاءن در شان عیسی پسر مریم مبالغه کردند و اوصاف خدایی به ایشان دادند. بلکه بگوئید محمد بنده خدا و رسول او است. پیامبر بزرگوارما وقتی شخصی ایشان را صدا می‌زد بزرگ یا کوچک ثروت‌مند یا فقیر ارباب یا برده آقا یا خدمت کار می‌فرمودند: «لبیک» و حتی هیچ وقت در جواب کسی نگفتند: «اف»

معنای قول خداوند متعال «واخفض جناحک للمومنین»

بال مهربانی را برای مومنین فرود آر

خداوند متعال پیامبر اکرم (ص) را دستور می‌دهند که برای مومنین تواضع نماید ولی چرا فرمودند: «بالت را فرود آور»

زیرا فرد متکبر می‌پندارد که همانند پرندگان در آسمان پرواز

می‌کند. ولی هنگامی که به زمین فرود می‌آید بالهایش را به بـدنش جمع می‌کند و می‌چسباند و آرام و متواضع بر زمین مـی‌نشیند و خداوند از پیامبرش خواسته که اینچنین باشد و رسول خدا از ما نیز خواسته‌اند که همانند ایشان باشیم و پیامبر بهترین الگوی ما است.

مظاهر و نمونه هایی از تواضع

روزی رسول اکرم (ص) با عده‌ای از یارانش از شهر خارج شدند. در بیابان خواستند گوسفندی را ذبح کنند و او را بپزند. یکی از یاران گفت: ذبح به عهده من دیگری گفت: من او را پـوست مـی‌کنم، و رسول خدا فرمودند: من هم هیزم جمع مـی‌کنم. پـیامبر (ص) بـا تواضع و فروتنی در جمع کردن هیزم برای افروختن آتش شرکت نمودند.

روزی امیر المومنین عمر بن عبدالعزیز (رح) با یکی از مامورینش نشسته بود، چراغ خاموش شد، مرد گفت من روشـنش مـی‌کنم و عمر بن عبدالعزیز (رح) گفت من روشن می‌کنم سپس رفت و چراغ را روشن کرد وقتی برگشت به آن مرد گفت: رفـتم و عـمر بـودم و برگشتم و عمرم چیزی از من کم نشد و بهترین مردم نزد خدا کسی

است که متواضع باشد.

امیرالمومنین عمر بن خطاب و علی بن ابی طالب اسلام (رض) دو خلیفه مسلمین با لباس پینه دار راه می‌رفتند.

مظاهر تواضع

۱- سلام گفتن بر بزرگ و کوچک و ثروت‌مند و فقیر.

۲- تواضع و فروتنی در مقابل مردم با کمک نمودن و همکاری با ایشان

۳- اینکه هیچ کس از ما تکبر نداشته باشد که بگوید من از فلان خانواده مشهورم یا ما ثروت‌مند و شما فقیر می‌باشید.

۴- هنگامی که فردی بزرگ وارد می‌شود به ما سلام می‌کند به احترام و تعظیم وی از جا بلند می‌شویم.

۵- تواضع و فروتنی برای پدر و مادر با اتو کشیدن لباسهایشان و تمیز کردن کفشهایشان و بوسه زدن بر دستشان

۶- قبول کردن دعوت ثروت‌مند و فقیر

۷- به دیدار یتیمان، بینوایان و عیادت بیماران رفتن و با تواضع و فروتنی با آنان برخورد نمودن

داستانی شگفت‌انگیز:

پشه‌ای بر درختی نشست و گفت: بر درخت بزرگی نشستم

درخت گفت: نشستی و تو مگسی و من درخت شدم

نمونه هایی از مظاهر کبر

و از ناحیه دیگر متکبران مورد مذمت خداوند متعال قرار می‌گیرند و از مظاهر تکبر موارد زیر را می‌توان به حساب آورد.

۱- انکار حق: یعنی نپذیرفتن حق و با فخر فروشی و غرور به سر مردم اقدام به دروغ گفتن

۲- تحقیر مردم: فردی را می‌بینی که به خاطر ثروت یا جایگاه اجتماعی یا اینکه از فلان فامیل و طایفه مشهور است مردم را تحقیر می‌کند و کوچک می‌پندارد

۳- مغرور و خودپسند بودن: به گونه‌ای که خود را از دیگران برتر، شجاع‌تر و بهتر بداند و این خودش غرور است و انسان متکبر همیشه مغرور است خداوند و انسانها او را دوست ندارند.

داستانهائی از متکبران

متکبرترین انسان قارون بود که در زمان حضرت موسی (ع) زندگی می‌نمود و سرمایه زیادی داشت وی اداعا نمود که این سرمایه را با علم و دانش به دست آوردم و فضل و عنایت خدا را انکار نمود در نتیجه خداوند با زلزله‌ای او را هلاک نمود و او را با ثروتش به زمین فرو برد.

رسول اکرم (ص) حکایت می‌کنند که شخصی مغرور و متکبر لباس جدیدی پوشید و با غرور عجیبی خرامان قدم بر می‌داشت خداوند وی را به زمین فرو برد و تا روز قیامت عذاب می‌شود.

نکته‌های پندآمیز

۱- تواضع از ویژگیهای مومنان است.

۲- تکبر از اوصاف منافقان و کافران می‌باشد.

۳- فرد مومن بال فروتنی را برای مومنان فرود می‌آورد.

۴- متکبر از مردم نفرت دارد و مردم نیز او را دوست ندارند.

۵- انسان متواضع و فروتن در دل همه مردم جای دارد و دوست داشتنی است.

۶- شناختن مظاهر تواضع و تکبر

سوالات

جاهای خالی را پر کن

ان الله..... یحب..... و لکن الکبر هو....... الحق و........ الناس و قد قال الله تعالی ان...... عنده الله..... و قـال نـبیه (ص)

.... جناحک للمومنین، فکان (ص) متواضعاً لا صحابه دخل مکة و هو............ کما غضب لأنَّ رجل من المسلمین قـال ل .... یا ابن السوداء، و قد کان........ اسود اللون و لکـنه کان من............ المسلمین و سماه النبی (ص)....

او کیست؟

۱- مردی است متکبر که درباره ثروتش گفت: این مال را با علم و دانش خودم به دست آوردم.

۲- از همه مردم متواضع‌تر است و اوست که گفت من بنده خدا و رسول وی هستم

۳- رفت که چراغ را خاموش کند و گفت رفتم و برگشتم و کوچک

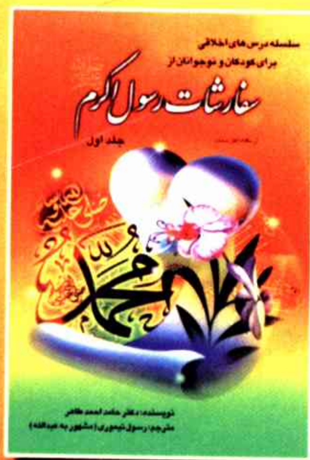
نشدم

این بخش را در یک صفحه به صورت خلاصه و مختصر بنویس

پاسخ‌ها

جمیل، الجمال، بطر، وغصط، اکرمکم، اتقاکم

واخفض، منکسر، بلال، بلال، اوائل، سیدنا قارون، محمد، عمربن عبدالعزیز



انتشارات دامینه



مرکز پخش: تایباد، خیابان شهید رجائی، کتابفروشی سنت
تلفن: ۴۲۲۱۷۶۱ - ۴۲۲۲۱۳۴ - ۰۵۲۹
همراه: ۰۹۱۵۱۲۶۱۳۹۹